

سعید نوری آزاد

تصور کنید مثل هر روز، زودتر از سایر همکاران وارد محل کار می شوید تا با استفاده از ساعت خلوتی اداره گشتی در اینترنت بزنید و به قول خودمان به روز شوید، اما می بینید خبری از اینترنت نیست و کسی هم از این که چه اتفاقی افتاده، خبری ندارد! با کنکاش متوجه می شوید که موضوع قطعی اینترنت از قطعی اتصال با ISP و یا یک فیبر نوری در دل دریا فراتر است و در نهایت چیزی که نصیبتان می شود این است که: اینترنت تمام شد....

شاید برای بسیاری از ما تفکر زندگی بدون اینترنت ممکن نباشد. اما باید بدانیم که حاکمان اینترنت کنترل آن را در دست دارند و اگر بخواهند، به سادگی خاموش کردن یک چراغ، شمع عمر اینترنت را نیز خاموش می کنند. خاطره و یا بهتر بگوییم تجربه چند سال قبل در مورد پاک شدن نام دامنه های IT. این نکته را در ذهن ما تداعی می کند که باید مراقب بود و چاره ای اندیشید.

تمام سخنانی که در باره انحصار اینترنت گفته شده است در یک سو و حرف نماینده آمریکا در اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در سوی دیگر قابل تامل است، وی درباره حق استفاده و انحصار در اینترنت این چنین گفت: «اینترنت حق نیست، بلکه امتیازی است که ما به بقیه می دهیم و هر وقت بخواهیم آن را می گیریم». سوالی که در کنار این موضوع به ذهن هرکس خطور می کند این است که: اگر اینترنت نباشد چه؟ و آیا ممکن است اینترنت نباشد؟ برای پاسخ به این سوال لازم است تاریخچه اینترنت را بدانیم.

اولین شبکه رایانه ای را چند فیزیکیان ساختند که معتقد بودند با اتصال رایانه های چند مرکز به یکدیگر روند نتیجه بخشی اطلاعات بسیار سریع تر خواهد بود و به این ترتیب اولین شبکه رایانه ای راه اندازی شد، یعنی یک شبکه برای افزایش دانایی. در زمان جنگ سرد و حتی قبل از آن روسیه و آمریکا سعی در افزایش قدرت تهاجمی و دفاعی خود داشتند که در این میان روسیه با آزمایش های موشکی به آمریکا قدرت نمایی می کرد و آمریکا نیز امنیت ارتباطی خود را در خطر می دید. پس سعی کرد این ضعف را رفع کند و ایده برقراری ارتباط در شبکه ای که در آن دو طرف با چندین مسیر به هم متصل باشند، موجب پیدایش موسسه تحقیقات پیشرفته ARPA شد و با ایده برقراری ارتباط در شبکه های آسیب دیده پایه های اینترنت امروزی گذاشته شد.

وینتون سرف، لورنس رابرتس، لئونارد کلین راک، رابرت کان افرادی بودند که پایه گذار اینترنت امروزی هستند و در حقیقت ایده پروتکل TCP/IP را ارائه دادند و ال گور که در آن زمان نماینده سنای آمریکا بود، تنها ایده این شبکه را در ذهن داشت. در سال ۱۹۶۱ تعداد ۴ کامپیوتر در ۲ ایالت مختلف باموقعیت ارتباط برقرار کردند و با گسترش این شبکه و ایجاد شبکه علمی در آن زمان که موجب ایجاد یک شبکه بین دانشگاهی گردید، تعداد زیادی خواستار دسترسی آزادتر به این شبکه شدند که در نهایت به آزادسازی سراسری این شبکه



آیا اینترنت برچیده می شود؟

جهانی یک «حق» محسوب می شود، یا آنکه «امکانی» است که می تواند برآورده شود و یا برآورده نشود؟

در اسناد بین المللی این حقوق به وضوح بیان شده اند که ما برخی از آنها را بیان می کنیم:

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است، در ماده ۱۹ خود این چنین دارد:

«هرکس حق آزادی عقیده و بیان را داراست؛ این حق شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب «اطلاعات» و «اندیشه ها» و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظاتی مریز آزاد باشد.»

در جای دیگر این سند (که چند سال بعد اصلاح شد) آورده شده است که:

۱- هرکس حق آزادی بیان دارد و این حق شامل آزادی «جست و جو» و «کسب» و «اشاعه» اطلاعات و اندیشه ها از هر طریق بدون توجه به مرزها، خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری و یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است.

در این سند که بسیاری آن را تنها به آزادی بیان در کوچه و خیابان نسبت می دهند کلمات «جست و جو»، «دریافت» و «انتشار» که هر کدام یک امتیاز است به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک «حق» نگاه شده است که هیچ کس حتی مبتکران وسیله ای مانند اینترنت نیز نمی توانند آن را نادیده گیرد و نمونه هایی که برای اطلاعات در این قانون ذکر شده است، تمام صورت های چند رسانه ای را نیز شامل می شود.

باید دانست آزادی بیان در صورتی معنا پیدا می کند که تهدیدی برای آن نباشد، چراکه نبود یک

امکان مانند اینترنت باعث می شود که اطلاعات تولید نشود و مادام که چیزی برای بیان کردن وجود نداشته باشد، آزادی بیان بی معناست.

باید یادآوری کرد که در بند الف و ب ماده ۱۹ این اساسنامه تاکید شده است که تحقق اصل آزادی اطلاعات و مولفه های آن، از جمله حق دسترسی به اطلاعات، در تضاد با حفظ حریم خصوصی و یا حفظ امنیت ملی نیست.

جالب آنجاست که نظریه پردازان حریم خصوصی نیز آمریکایی بوده اند. در دهه ۱۸۹۰ دو تن از قضات دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا به نام های «ساموئل وارن» و «لوئیس براندیس» در مقاله ای با عنوان «حق حریم خصوصی» برای اولین بار این مساله را به عنوان یک بحث جدی و صریح حقوقی مطرح کردند و البته در آن زمان حریم خصوصی را «حق افراد برای تنها بودن» تعریف کردند.

و نیز کسانی که امروزه ارتباطات جهان را به راحتی شنود می کنند گویا فراموش کرده اند که به عقیده صاحب نظران خودشان: «برای حفظ یک کشور، باید اسرار مربوط به توانایی سلاح ها و محل استقرار ارتش ها را حفظ کنیم. حتی باید شیوه های مان برای محفوظ نگاه داشتن اسرارمان و نیز روش های مان برای کشف رازهای دشمنان را پنهان بداریم.» که با در نظر گرفتن ۲ موضوع حریم خصوصی و امنیت ملی، به راحتی می توان مالکان اینترنت را از فکر برهم زدن نظم اطلاعاتی جهان بر حذر داشت. و شاید مواردی مانند انفجار اطلاعات که نشانگر اهمیت و نقش آفرینی ابزارهایی مانند اینترنت است مبتکران آن را به فکر سوءاستفاده از این وسیله و تهدید ملت ها انداخته است؟!

امنیت و حیثیت ملی ما

حضور فناوری اطلاعات زندگی ما را با وجود پیچیدگی ها، ساده کرده است. اما هر نوع اختلالی در کار آن می تواند نظم زندگی را بر هم بزند و این زندگی هر چه به محیط هایی مانند اینترنت نزدیک تر باشد، به نوعی دچار وابستگی افراطی می گردد. حال در این میان امنیت ملی و حیثیت ملی ما با قطع چنین امکاناتی دچار مشکلات بزرگی خواهد شد که در این میان رسانه ها به عنوان شاهراه ارتباطی جامعه امروزی دچار مشکل جدی خواهند شد.

با این که تمامی قوانین و عرف بین المللی و شاید حقوق مادی مبتکران اینترنت آنها را از حذف این گزینه بر حذر دارد، اما هر ملتی باید به هوش باشد که امنیت ملی جای اما و اگر ندارد و باید به فکر حفظ آن بود.

در چند سال اخیر مسوولان کشور به فکر ایجاد یک شبکه انتقال داده سراسری افتاده اند که کشور را از تبادل داده به صورت سراسری بی نیاز کند و نیز اقداماتی برای حفظ حداقل ارتباط در هنگام بحران صورت گرفته است که جای امیدواری است. اما این تفکر باید در سراسر کشور نهادینه شود و همه به فکر استفاده از محصولات و خدمات غیر وابسته باشیم و در کنار آن از خدماتی مانند اینترنت بهره ببریم و فراموش نکنیم اینترنت در اختیار کشورهایی است که می خواهند همه به آنها وابسته باشند.